فهرست

[موضوع: فقه/نکاح/مبحث نگاه 2](#_Toc165824081)

[مقام سوم 2](#_Toc165824082)

[نظر اول 2](#_Toc165824083)

[نظر دوم 2](#_Toc165824084)

[خروج ممیز و غیر ممیز از خطابات 3](#_Toc165824085)

[دلیل نظریه مرحوم نراقی 3](#_Toc165824086)

[نکات آیه شریفه 4](#_Toc165824087)

[نکته اول 4](#_Toc165824088)

[نکته دوم 5](#_Toc165824089)

[نکته سوم 5](#_Toc165824090)

[نکته چهارم 6](#_Toc165824091)

[احتمال اول 6](#_Toc165824092)

[احتمال دوم 6](#_Toc165824093)

[احتمال سوم 6](#_Toc165824094)

[نکته پنجم 7](#_Toc165824095)

[جواب دلیل اول 7](#_Toc165824096)

[پاسخ به جواب دلیل اول 7](#_Toc165824097)

# موضوع: مبحث نگاه/ استثنائات از عدم جواز نظر به اجنبی

# مقام سوم

فروع و مقاماتی که ضمن استثناء صبی و صبیه از عدم جواز نظر بود مقام و فرع سوم این است که ممیز می‌تواند به عورت دیگران نگاه کند یا خیر؟

سؤال این است که ممیز می‌تواند به عورت دیگران نگاه کند یا خیر؟

## نظر اول

این مسئله در ذیل مباحث حضرت آقای خویی طرح کردند و پاسخ این هم طبق نظر اکثریت و قاطع از فقها این است که می‌تواند، یعنی صبی و صبیه ممیز می‌تواند حتی به عورت دیگران نگاه کند برای اینکه رفع تکلیف شده است و تکلیف متوجه آن‌ها نیست.

تا اینجا تقریباً مطلب جاافتاده است و نظر اکثریت بر این استقرار دارد، گرچه شاید خیلی اصلاً طرح هم نکرده باشند ولی در حدی که طرح شده است بر اساس رفع قلم از غیر بالغ گفته شده است که صبی و صبیه از عدم جواز نظر معاف هستند و می‌توانند نگاه کنند به بدن دیگران که تقریباً هیچ بحثی در آن نباشد و در خصوص عورت هم غالباً و اکثریت هم این را نظر داده آن.

## نظر دوم

نظر شاذتری اینجا وجود دارد که صبی و صبیه به بدن غیر مماثل خود می‌توانند نگاه بکنند اما به عورت نمی‌توانند و به نحوی اطلاقات‌ عدم جواز نظر به عورت غیر و «عَوْرَةُ اَلْمُؤْمِنِ عَلَی اَلْمُؤْمِنِ حَرَامٌ»[[1]](#footnote-1)، گفته شده است اینجا هم جاری است به آن اطلاقات، تقییدی و تخصیصی نخورده است.

این نظر را مشخصاً نسبت داده‌اند و کلامشان هم نقل شده است به مرحوم نراقی در مستندشان، مرحوم نراقی در مستندشان قائل شده‌اند جایز نیست نگاه صبی و صبیه به عورت غیر، گرچه نگاه آن‌ها به بدن مماثل جایز است اما نگاه به عورت دیگران برای آن‌ها جایز نیست و قدر متیقن عورت بالغ است، اگر غیر بالغ و ممیز را هم گفتیم نظر به عورت او اشکال دارد قطعاً آن هم مشمول این هست.

این دو نظریه در باب جواز و عدم جواز نظر ممیز به عورت غیر است.

نظر اول و نظر مشهور روشن است مستند است به قواعد معمولی که رُفع القلم عن الصبی و معاف بودن غیر بالغ از تکالیف الزامی، لااقل، حداقل این است که غیر بالغ از تکالیف الزامی معاف است اما در تکالیف غیر الزامی بحث‌هایی هست در جای خود. از این جهت نظریه اول طبق قاعده است.

اما نظر دوم یک نظر ویژه‌ای است باید دید چه دلیلی نسبت به آن وجود دارد که اگر ثابت بشود یکی از معدود مواردی است که فقیه می‌گوید غیر بالغ تکلیف الزامی دارد و می‌گوید ممیز که غیر بالغ تکلیف الزامی متوجه او می‌شود.

مرحوم نراقی دلیل خاصی در مستندشان اقامه کرده است و قبل از اینکه به دلیل ایشان بپردازیم مستحضرید اگر ما بودیم و ادله خاصه وجود نداشت و خطابات عامه تکالیف دست ما بود می‌گفتیم ممیز مشمول خطابات هستند. از نظر عقلی و حتی عقلایی وقتی خطابی متوجه شد، کسی که خطاب را می‌فهمد و قدرت هم دارد، آن فهم عادی و متعارف و قدرت استطاعت متعارف دارد مشمول خطاب است، اینکه صبی خارج شده است و از این جهت ممیز هم می‌تواند مشمول خطابات باشد.

# خروج ممیز و غیر ممیز از خطابات

بنابراین خروج ممیز، به ویژه ممیزی که در مقارب و مراهق و مقارن بلوغ هست، می‌تواند مشمول خطاب باشد و خروج او از خطابات یک خروج تعبدی و با ادله تعبدی است. برخلاف غیر ممیز که هیچ دلیلی وجود نداشت، غیر ممیز از خطابات خارج بود.

از این روست که تفاوت است در خروج ممیز و غیر ممیز از خطابات به این صورت که غیر ممیز خروج او غیرتخصصی واقعی است اما خروج ممیز از خطابات و تکالیف وارد شده در خطابات خروج به نحو تخصیص و حکومت و تعبدی است.

## دلیل نظریه مرحوم نراقی

مرحوم نراقی رضوان الله تعالی علیه این نظر شاذ و غیر رایج در مورد ممیز در اینجا دارند، اگر نگوییم تنها لااقل از معدود مواردی است که فقیهی می‌گوید غیر بالغ ممیز به خطابی مکلف شده است.

گفتیم تکلیف ممیز به خطابات از نظر عقلی مانعی ندارد چون خروج آن تعبدی است، خروج تخصصی واقعی نیست.

نظریه مرحوم نراقی در مستند است و آقای خویی هم این را نقل کرده‌اند و متن کلام ایشان در فرمایش آقای خویی است به آیه شریفه ۵۸ سوره نور استناد داده شده است. آن آیه شریفه که نسبتاً طولانی است، **﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِیَسْتَأْذِنْکُمُ الَّذِینَ مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ وَالَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ﴾** خطاب به مؤمنین می‌فرماید باید اجازه بگیرند، بردگان شما و کسانی که به مرز تکلیف و احتلام نرسیده اند، سه بار باید اذن بگیرند، **﴿مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ﴾** قبل از نماز صبح **﴿وَ حِینَ تَضَعُونَ ثِیَابَکُمْ مِنَ الظَّهِیرَةِ﴾** و وقتی که در نیم روز استراحت می‌کنید در خلوتی وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ و آخر شب. ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَکُمْ این سه وقت، وقت‌های ویژه و خلوت شماست **﴿لَیْسَ عَلَیْکُمْ وَلَا عَلَیْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ﴾** در غیر این سه وقت برای **﴿الَّذِینَ مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ وَالَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ اشکالی ندارد طَوَّافُونَ عَلَیْکُمْ بَعْضُکُمْ عَلَی بَعْضٍ کَذَلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْآیَاتِ وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ﴾**.

آیه ۵۹ هم ادامه آن است که **﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْکُمُ الْحُلُمَ فَلْیَسْتَأْذِنُوا کَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾** اما اگر کسی بالغ شد مثل بقیه است، آن حکم قبلی مربوط به غیر بالغین است. این آیه شریفه سوره نور هست که مستند مرحوم نراقی در وجوب استیذان در این وقت‌هاست و ایشان می‌فرماید تا اینجا آیه معلوم است که می‌گوید در سه وقت باید اذن بگیرد. این مقدمه اول است که مدلول مطابقی آیه است

مقدمه دوم که در ذهن شریف ایشان بوده است این است که این وجوب استیذان برای صبی ممیز ملازم با حرمت نظر و عورت است برای اینکه استیذان در این مواقع خاص به دلیل این است که وضع الثیاب می‌شود و در واقع اتاق خواب است، وقت استراحت و خواب است و در معرض کشف عورات است از آن جهت می‌گوید استیذان بشود معلوم می‌شود که آن اشکال دارد که استیذان واجب شده است.

این دو مقدمه را کنار هم بگذاریم، نتیجه‌ای که مرحوم نراقی گرفته است استنباط و استکشاف می‌شود.

این نظر خاص ایشان در اینجا هست و ایشان می‌فرماید اگر سؤال شود ادله عامه‌ای هست مبنی بر رفع تکلیف از غیر بالغ، پاسخ این است که این مخصص آن‌هاست.

دلیل دارد که رفع عن الصبی کذا و کذا، اینجا دارد که در مورد خاص می‌گوید لم یرفع، لِیَسْتَأْذِنْ باید اذن بگیرد، پس رفع تکلیف ولو یک قاعده عام است ولی شامل اینجا نمی‌شود برای اینکه این در مورد خاص می‌گوید باید استیذان بکند.

به عبارت دیگر ممکن است حتی گفته شود (این را ایشان ندارد و بعد بحث خواهیم کرد) که مخصص هم نیست، برای اینکه

اولاً؛ دلیل حاکم که می‌گوید رفع القلم عن الصبی اختصاص به تکالیفی دارد که مطلق است، در آن بالغ و غیر بالغ تفکیک نشده است و به نحو عام خطاب می‌کند «اقم الصلاة» برای همه است. رفع القلم عن الصبی می‌گوید این اختصاص به غیر صبی دارد یعنی از صبی برداشته شده است و تکالیف را می‌برد مختص به بالغ می‌کند.

اما آنجایی که تکلیف در خصوص غیر بالغ آمده است، **﴿وَالَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾** ممکن است بگوییم این مشمول آن خطابات رافعه تکلیف نیست، رفع القلم اصلاً از اول آنجا را نمی‌گیرد. تخصصاً از آن خارج است بنا بر اینکه بگوییم ادله انصراف دارد به تکالیف مشترک که در آن تفکیک نشده است.

ثانیاً؛ اگر بگوییم آن رفع القلم عن الصبی مطلق است، هر نوع تکلیفی را می‌گوید از او برداشته شده است آن وقت اینجا مخصص یا معارض می‌شود که جزئیات را بعد عرض می‌کنیم.

این اجمال استدلال مرحوم نراقی بر قول خاص و نادر ایشان است مبنی بر اینکه ممیز نمی‌تواند به عورات دیگران نگاه بکند و لو هنوز بالغ نیست، تکلیف الزامی دارد. استناد هم به این آیه شریفه است.

# نکات آیه شریفه

قبل از اینکه به بررسی استدلال ایشان بپردازیم نکاتی را عرض می‌کنیم در آیه شریفه، بعد منتقل به فرمایش ایشان می‌شویم و ظرایف و دقائقی که اینجا مطرح است.

## نکته اول

اینکه در آیه شریفه ثَلَاثَ مَرَّاتٍ دارد، آن سه وقت را هم تعیین فرموده است؛

۱- **﴿مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ﴾**

۲- **﴿حِینَ تَضَعُونَ ثِیَابَکُمْ مِنَ الظَّهِیرَةِ﴾**

۳- **﴿وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ﴾**

این سه وقت را مشخص فرموده است و تأکید داشته است که در این سه وقت این دو گروه باید برای ورود به آن خلوت اذن بگیرند.

این سه وقت خصوصیت دارد یا الغاء خصوصیت می‌شود، ویژگی این سه وقت همان **﴿ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَکُمْ﴾** است، خود اینکه آیه در ادامه می‌فرماید این سه عورات شما هست، نشان می‌دهد ملاک وقت خاص است، یعنی آن اوقات و مکان‌های خاص که برای استراحت و خلوت تعیین شده است باید اذن بگیرند.

حتی اگر ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ هم نبود ذهن عرفی می‌گوید چرا خدا می‌فرماید در این ساعات خاص اذن بگیرند و در بقیه ساعات عمومی و آزاد هست؟

وجهی ندارد جز اینکه این ساعات و اوقات خاص وقت استراحت و خلوت در جای خاصی بوده است، منتهی بیان این قیود به خاطر غالبیت است، وصف و قید غالبی است که اینجا قید زمانی است. این قید و وقت هیچ عنایتی روی آن نیست جز اینکه غالباً این‌طور بوده است و این که به تفصیل آورده است به خاطر حساسیت مسئله است. به خاطر غالبیت و حساسیت، مطلب را باز مطرح کرده است.

## نکته دوم

این است که آیا مراد در آیه مطلق امکنه یک بیت است، یا آن اتاق‌ها و جاهای معَدّ برای استراحت و خلوت؟

اینجا گرچه صراحتاً چیزی نیامده است، اینجا قائل به انصراف هستیم، روشن است، آیه انصراف به آن جاهای خاصی که خلوتگاه و استراحتگاه است دارد، یعنی این زمان‌های خاص که تعیین شده است یعنی وقت‌هایی که عورات است، عوراتی که اینجا آمده است آن را هم تعیین می‌کند، یعنی جاهایی که عورت هست، پس این عورات ضمن اینکه کمک می‌کند آن الغاء خصوصیت زمانی انجام شود، کمک می‌کند برای اینکه آیه به مکان خاص انصراف بدهد. اگر حیاط خانه است، جایی است که همه رفت و آمد می‌کنند، جای خلوت و ویژه نیست، ظاهراً مشمول آیه نباشد.

## نکته سوم

این است که **﴿لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾** آیا مطلق است؟ شامل ممیز و غیر ممیز می‌شود یا اختصاص به ممیز دارد؟

این را معمولاً گفته‌اند انصراف به ممیز دارد، می‌گوید آنان که بالغ نشده‌اند اذن بگیرند، ظاهرش این عدم ملکه نیست، یعنی آن که شأنیت فهم اینها و استیذان و امثال اینها را دارد می‌گوید باید اذن بگیرد اما غیر ممیزی که در مظان اینها نیست و شأنیت این را ندارد که اذن بگیرد، ممکن است بگوییم از این اطلاق خارج است.

پس **﴿وَالَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾** انصراف دارد به ممیز و شامل غیر ممیز نمی‌شود. الا اینکه کسی بگوید این مبتنی است بر بحث دیگری که باید بعد آن را حل کنیم. آن بحث دیگر که بعد مفصل به آن خواهیم پرداخت، این است که در لِیَسْتَأْذِنْ چند احتمال وجود دارد

یکی از احتمالات این است که غیرمستقیم تکلیف پدر و مادر را بیان می‌کند در تربیت فرزند و عادت دادن او به اینکه کاری بکنید که او بداند وقتی خواست اینجا بیاید باید اذن بگیرد. اگر این باشد در غیر ممیز هم مقداری معقول است، غیر ممیز هم می‌شود دست‌آموز کرد، این اندازه از دو سه‌سالگی بچه می‌تواند بفهمد که اینجا می‌خواهد بیاید باید اجازه بگیرد، در بزند. به صورت دست‌آموزی، نه اینکه انجام فعلی که روی آن اراده دارد و فهم و شعور در حد ممیز دارد.

اگر یک وقتی لِیَسْتَأْذِنْ را از این ابواب بیرون رفت گفتیم یک تکلیف تربیتی ناظر به پدر و مادر است، اگر چنین بیانی بود که در فقه تربیت این احتمال را دادیم و بعد اینجا بحث خواهیم کرد، این کار به آن‌ها ندارد، فقط تکلیف پدر و مادر را می‌گوید، اگر این باشد آن وقت معلوم نیست انصراف تامی نسبت به ممیز باشد و انصراف از غیر ممیز باشد. اگر بگوییم این خطاب یک جوری خود کودک را هم در برمی‌گیرد، کاملاً خطاب به اوست؟ یا شکل میانه‌ای از توجیه خطاب به فرزند را بگوییم، این انصراف به ممیز پیدا می‌کند.

اگر گفتیم که جهت‌گیری آیه جنبه تربیتی است و تکلیف متوجه پدر و مادر است، اینجا غیر ممیز را می‌گیرد، می‌گوید او را این‌گونه تربیت کن که این آداب را رعایت کند. اگر به این سمت گرایشی پیدا شد، این انصراف سوم را نمی‌شود کاملاً پذیرفت.

## نکته چهارم

در این **﴿لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾** است که اختصاص به فرزند دارد؟ یا مطلق افراد و بچه‌ها را می‌گیرد؟

اینجا چند احتمال وجود دارد

### احتمال اول

بگوییم انصراف دارد به فرزندان، **﴿مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ وَ الَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾** چون این تکلیف در جایی است که مسائل خانواده مطرح است یعنی بچه‌های خودتان. اگر این باشد نسبت به دیگران به طریق اولی می‌گیرد.

### احتمال دوم

این است که این اطلاق دارد و این **﴿لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾** اعم است از فرزندان و کسانی که با شما رفت و آمد دارند از خویشان و اقوام هستند.

### احتمال سوم

این است که اعم است **﴿لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ﴾** بچه دیگران یا بچه خودتان یا بر حسب اتفاق کسی وارد خانه شده است همه را می‌گیرد.

نکته‌ای که اینجا وجود دارد که اگر احتمال سوم را اطلاق بگیریم که جای خود محفوظ.

اگر این احتمال را نگوییم، احتمال دوم یا اول را بگوییم باز الغاء خصوصیت یا فحوا همه را می‌گیرد.

این که از آن عبور کردیم به این مسئله برمی‌گردد که «مِنْکُمْ» انحلالی است یا مجموعی است؟ **﴿لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ﴾** از شما، یعنی از جامعه، یا این که «منکم» یک انحلالی است که هر خانواده و هر جامعه را جدا می‌گوید؟ این دو احتمال در آن هست که اهمیتی ندارد.

## نکته پنجم

در مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ است، از این نظر که مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ آیا اعم از بالغ و غیر بالغ است یا اینکه آن مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ از خطابات عام است و رفع القلم عن الصبی آن را می‌گیرد و لذا مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ اختصاص به بالغین دارد.

مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ مخاطب به تکلیف شده‌اند، نمی‌دانیم شامل غیر بالغ هم می‌شود یا خیر؟ رفع عن الصبی می‌گوید این برده غیر بالغ این تکلیف او را نمی‌گیرد.

اما علی‌رغم این، در اینجا فرقی بین برده غیر بالغ با فرزندانی که غیر بالغ هستند نباشد، دو دلیل دارد؛

۱- اینکه **﴿لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ﴾** ممکن است بگوییم شامل آن‌ها هم می‌شود. آن‌ها که از شما هستند و لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ این امکان را دارد و زیاد روی آن تأکید نداریم.

۲- این که اطلاق لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ شامل آن بچه‌هایی هم باشد که برده‌اند و در خانه حضور دارند. چون قید حر بودن و فرزند بودن از این استفاده نشود.

### جواب دلیل اول

این دلیل را می‌تواند جواب داد «منکم» که می‌گوید ممکن است در مقابل مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ ظهوری دارد غیر از برده و ظهور در حر دارد. لذا ممکن است بگوییم این انصراف به اطفال و انصراف به حر دارد.

شاهد دوم برای شمول مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ لغیر بالغین گرفت این است که خود مقام آیه که مقام ثلاث عورات لکم است اقتضا می‌کند که الغاء خصوصیت بشود که در غیر حر و غیر بالغ هم مثل بچه‌ها باشد، یعنی بچه‌ای که برده است او هم مثل بقیه باشد.

### پاسخ به جواب دلیل اول

ممکن است در برده یک آزادی بیشتری قرار داده شده باشد از این جهت از بچه‌های بردگان که در خانه هستند می‌شود دو سه قرینه آورد و ملحق به خود برده یا بچه‌هایی که در خانه هستند کرد ولی این شواهد ممکن است قابل پاسخ باشد.

1. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج6، ص497.](http://lib.eshia.ir/11005/6/497/حَمَّاماً) [↑](#footnote-ref-1)